

پردازش گروه اسمی

نوشته: دکتر سیدمهدی سمائی*

چکیده

گروه اسمی مهمترین سازه در تحلیل رایانه‌ای زبان فارسی است. گروه اسمی از یک کلمه یا گروهی از کلمات ساخته می‌شود. این گروه یک هسته و تعدادی وابسته پیشین و پسین دارد. وابسته‌های پیشین عبارتند از صفت اشاره، عدد، ممیز، صفت عالی، شاخص، صفت پرسشی، صفت مبهم، صفت تعجبی، یک نکره. وابسته‌های پسین شامل صفت بیانی و «ی» نکره و مضاف‌الیه و بدل و گروه حرف اضافه و جمله ربطی هستند. وابسته‌های پیشین محدودیت‌های همنشینی دارند. اولاً همه آنها همزمان قبل از هسته نمی‌آیند و ثانیاً هر وابسته‌ای در کنار وابسته دیگر قرار نمی‌گیرد و ثالثاً با ترتیب خاصی در کنار هم می‌آیند. در ترتیب همنشینی وابسته‌های پسین نیز محدودیت‌های هست.

کلیدواژه‌ها: رایانه / پردازش زبان / هوش مصنوعی / ترجمه ماشینی / گروه اسمی
مقدمه

یکی از کاربردهای تحلیل رایانه‌ای نحو زبان فارسی در حوزه 'ترجمه' ماشینی هوش مصنوعی است. گروه اسمی اصلی‌ترین و مهمترین سازه در تحلیل رایانه‌ای زبان فارسی است. این گروه از یک کلمه یا گروهی از کلمات ساخته می‌شود. هنگامی که گروه اسمی با گروهی از کلمات ساخته شده باشد یک هسته و تعدادی وابسته دارد. هسته اجباری و وابسته‌ها اختیاری است. اگر گروه اسمی فقط از یک کلمه ساخته شده باشد همان کلمه که معمولاً اسم یا ضمیر است هسته گروه اسمی خواهد بود. در این مقاله قاعده ساخت گروه اسمی عرضه خواهد شد.

۱- هسته

¹ عضو هیئت علمی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

ضمایر تأکیدی، شامل خودم و خودت و خودش و خودمان و خودتان و خودشان هستند. این ضمایر در نقش نهاد و متمم حرف اضافه و مسند و بدل قرار می‌گیرند: نهاد: خودش نامه را فرستاد. مفعول: او خودت را در خیابان دید. متمم حرف اضافه: علی کفش را برای خودتان خرید. مسند: داناترین آدم این شهر خودش است. بدل: تو خودت دفتر را گرفتی. هنگامی که ضمیر تأکیدی با نهاد هم مرجع باشد به آن ضمیر انعکاسی می‌گویند. ضمیر تأکیدی در نقش نهاد و بدل همواره انعکاسی است. یعنی به اجبار با نهاد خود هم مرجع است. نوع دیگری از ضمیر تأکیدی نیز هست که در ساختهای اضافه‌ای مثل: خود من، خود این بچه‌ها می‌آید: خود من او را دیدم. آموزگار کتاب را به خود این بچه‌ها داد. ضمایر متقابل شامل یکدیگر و همدیگر و هم هستند. شکل این ضمایر ثابت است و در نقش مفعول و متمم حرف اضافه و مسند قرار می‌گیرند: مفعول: آنها یکدیگر را دیدند. متمم حرف اضافه: بچه‌ها کتابشان را به همدیگر دادند. مسند: علی و رضا دوست همدیگر هستند. هیچ محدودیتی از لحاظ دستوری در جانشین شدن این سه ضمیر به جای هم وجود ندارد. یکدیگر در متون و زبان ادبی کاربرد دارد. ضمایر اشاره شامل این و آن و همین و همان هستند. این ضمایر در تمام نقشهای نحوی اسم به کار می‌روند: نهاد: این آدم را به خنده می‌اندازد. مفعول: همان را خرید. متمم حرف اضافه: طناب را به آن بستند. مسند: بهترین تفریح همین است. تمیز: بهترین کار را همین می‌دانم. بدل: دوستان علی، همانها، کاری برایش پیدا کردند.

هسته-چنانکه ذکر شد-یا اسم است یا ضمیر. برای تشخیص اسم در زبان فارسی از ملاکهای صرفی یا نحوی می‌توان استفاده کرد. پسوند جمع ملاکی صرفی است که می‌توان آن را همراه اسم آورد: مدرسه ← مدرسه‌ها مرد ← مردان ملاکهای نحوی بر دو نوع است: الف. استفاده از کلمات یا عناصری که همراه اسم می‌توانند بیایند و ترکیبی نحوی بسازند. نظیر صفت اشاره، صفت مبهم، صفت پرسشی، عدد، صفت بیانی، متمم اسمی (مضاف‌الیه). مثال: این کتاب، همه کتابها، کدام کتاب، پنج کتاب، کتاب زیبا، مدرسه شهر. ب. قرار دادن اسم در نقشهای نحوی نظیر نهاد و مفعول و متمم حرف اضافه و تمیز و بدل. نهاد: پسر سب را خورد. مفعول: پسر را دیدم. متمم حرف اضافه: کتابی درباره زندگی چادر نشینان خریدم تمیز: من کشورم را خانه می‌دانم. بدل: این میوه مفید، انار، در ساوه فراوان است. ضمیر نیز در جایگاه هسته گروه اسمی قرار می‌گیرد. هفت نوع ضمیر وجود دارد: ضمیر شخصی جدا (منفصل)، ضمیر شخصی پیوسته (متصل)، ضمیر تأکیدی، ضمیر متقابل، ضمیر اشاره، ضمیر پرسشی، ضمیر مبهم. ضمیر شخصی جدا شامل من، تو، او، ما، شما، آنها (آنان، ایشان). این ضمایر در همه نقشهای نحوی اسم به کار می‌روند. ضمیر شخصی پیوسته شامل مَ، تَ، شَ، مان، تان، شان. این ضمایر به دو شکل به کار می‌روند یکی همراه با اسم و با نام ضمایر ملکی. مثال: کتابش پاره شد. خانه‌اش را فروخت. دیگر در جمله‌هایی مانند: سردم شد. دردش گرفت. این جمله‌ها از برخی اسما و صفتها به اضافه ضمیر پیوسته و سوم شخص مفرد بعضی افعال ساخته می‌شود. ضمیر پیوسته در این جمله‌ها به شخصی اشاره می‌کند که فعل به او مربوط می‌شود.

اشاره، تعداد و مقدار را هم می‌رسانند: اینهمه کتاب، اینقدر آرد.

۲-۱-۲. عدد

دو نوع عدد وجود دارد:

الف. عدد اصلی. نظیر یک، دو، سه، الی آخر.
ب. عدد ترتیبی. این دسته اعداد را به دو صورت می‌سازند. یکی با افزودن پسوند «م» به اعداد اصلی: چهارم ← چهارم^۱. این دسته اعداد ترتیبی را نوع اول می‌نامیم. نوع دیگر اعداد ترتیبی که آن را در اینجا نوع دوم می‌نامیم با افزودن پسوند «ین» به اعداد ترتیبی نوع اول ساخته می‌شود: چهارم ← چهارمین. اعداد ترتیبی نوع اول جزء وابسته‌های پسین و نوع دوم جزء وابسته‌های پیشین هستند. اسمی که بعد از اعداد ترتیبی نوع دوم می‌آید معمولاً مفرد است اما گاهی در بعضی ترکیبات مشخص به شکل جمع می‌آید: پنجمین خیابان، سومین کتابهای این ردیف. اعداد ترتیبی اسم را معرفی می‌کنند. اعداد خود دارای گروه هستند و با قواعد معینی با هم ترکیب می‌شوند و با اسم می‌آیند. اعداد اصلی به هفت طبقه تقسیم می‌شوند:

الف. یک تا نه

ب. ده تا نوزده

ج. بیست تا نود

د. صد تا نهصد

هـ. هزار

و. میلیون

ز. میلیارد

اعداد مذکور با این قواعد با هم ترکیب می‌شوند:

- اعداد دسته‌های بزرگتر اول می‌آیند و اعداد کوچکتر با حرف ربط «و» بعد از آنها: بیست و چهار.
- هیچ عددی با عدد گروه خودش جمع نمی‌شود: *هزار و هزار^۲.
- اعداد دسته الف با ب جمع نمی‌شوند: *دو یازده.
- اعداد دسته ب با ج جمع نمی‌شوند: *دوازده چهل
- در ضرب اعداد گروه کوچکتر اول می‌آیند: دوهزار

ضمایر پرسشی شامل کدام و کد/میک و چه و که هستند. این ضمایر در تمام نقشهای نحوی اسم- به جز بدل- قرار می‌گرد:

نهاد: که آمد؟

مفعول: کدام را پسندیدی؟

متمم حرف اضافه: کتاب را به کدامیک دادی؟

مسند: بهترین میوه تابستانی چه است؟

تمیز: تو این کار را چه می‌نامی؟

ضمایر مبهم شامل آدم و همه و بعضی و برخی و بسیاری و کسی و یکی هستند. این ضمایر در نقش نهاد و مفعول و متمم حرف اضافه و بدل به کار می‌روند:

نهاد: کسی می‌آید.

مفعول: بچه‌ها بعضی را دیدند.

متمم حرف اضافه: او بدهکاریهایش را به آدم می‌بخشد.

بدل: دانشمندان، برخی، پژوهشهای بسیار طولانی می‌کنند.

ضمایر را به ندرت همانند اسم می‌توان گسترش داد و وابسته‌های پیشین و پسین به آنها افزود. گسترش ضمایر محدود است و ترکیبهایی نظیر من بدبخت و خود بیچاره‌اش و هیچ منی نادر است.

۲- وابسته

۲-۱. وابسته پیشین

عناصری که در گروه اسمی قبل از هسته می‌آیند وابسته‌های پیشین نام دارند. این وابسته‌ها عبارتند از صفت اشاره، عدد، ممیز، صفت عالی، شاخص، صفت پرسشی، صفت مبهم، صفت تعجبی، یک نکره.

۲-۱-۱. صفت اشاره

شامل این، آن، همین، همان، چنین، چنان، یک چنین، اینهمه، اینقدر. این وابسته‌ها برای اشاره‌اند و اسم را معرفی می‌کنند. چنین و چنان شباهت را نیز می‌رسانند. این دو صفت را در سبک کهن گرا پس از اسم نیز می‌توان آورد: پسری چنین، مردی چنان، اینهمه و اینقدر علاوه بر

۲-۱-۵. صفت پرسشی

صفت‌های پرسشی شامل این عناصر است: کدام، کدامیک از، چند، چه، چندمین، چگونه، چه نوع، چه جور، چقدر. مثال: کدام کتاب؟ چه کتابی؟ چندمین کتاب؟ کدامیک از کتابها؟ کدام و کدامیک اسم را معرفی می‌کنند. آمدن دیگر صفت‌های پرسشی قبل از اسم، آن را نکره می‌کند.

۲-۱-۶. صفت مبهم

این صفات خصوصیات نامشخصی را به اسم اضافه و آن را نکره می‌کنند. صفت‌های مبهم عبارتند از: کدام، هر، هیچ، همه، بعضی، برخی، چند، چندین، بعضی از، برخی از، هر یک از، هر کدام از، هیچیک از، هیچکدام، هیچکدام از.

به اسمی که بعد از هر می‌آید می‌توان «ی» نکره افزود: هر مدرسه‌ای. هر با الفاظ گونه و جنس و قسم و نوع و جور ترکیب می‌شود و صفت مبهم مرکب می‌سازد: هر قسم کتاب.

هیچ اسم بعد از خود را نفی می‌کند. اسمی که بعد از آن می‌آید «ی» نکره می‌گیرد. اسم در این حالت همیشه مفرد است. هیچ نیز با گونه و جنس و قسم و نوع و جور ترکیب می‌شود: هیچ نوع قلمی.

اسمی که بعد صفت‌های مبهم مرکب نظیر هر کدام از، بعضی از، هیچیک از، می‌آید همیشه جمع است: برخی از بچه‌ها، هیچیک از شاگردان.

اسمی که بعد از همه می‌آید، پسوند «ی» نکره می‌گیرد: همه کتابی^۴. همه نیز با الفاظی نظیر گونه و جور ترکیب می‌شود. همه جور کتاب. اسم در این کاربرد همیشه مفرد است.

فلان با اسم مفرد یا اسمی که پسوند جمع دارد می‌آید. اسمی که بعد از فلان می‌آید از دیدگاه گوینده شناخته شده است: فلان خیابان، فلان کتابها.

برخی و بعضی با اسمی که پسوند جمع دارد می‌آیند: برخی پسرها، بعضی آدمها.

چند به تعدادی نامعلوم اشاره می‌کند. اسم بعد از چند مفرد است: چند دختر.

- اعداد هیچ گروهی در اعداد همان گروه ضرب نمی‌شود: * صد صد^۲
- فقط یکی از اعداد چهار گروه اول می‌توانند در یکی از اعداد گروه بعد ضرب شود: دوهزار، ده میلیون.

۲-۱-۲. ممیز

ممیزها وابسته اعداد هستند و بین اعداد اصلی و اسم پس از آنها-یعنی معدود- می‌آیند. ممیزها شامل عناصری نظیر فقره و جلد و برگ و تن و فروند و رأس و دست و نفر هستند: دوجلد کتاب، دو دست چایخوری، یک رأس اسب، سه برگ سند.

۲-۱-۳. صفت عالی

صفت عالی از صفت به اضافه پسوند «-ترین» ساخته می‌شود: بزرگترین مدرسه. این صفت اسم بعد از خود را معرفی می‌کند. برخی الفاظ نظیر تک و یگانه و تنها، از این لحاظ که اسم بعد از خود را محدود و منحصر می‌کنند، همانند صفت عالی هستند. یعنی از لحاظ معنایی-نه ساختمان صرفی-همانند صفت عالی هستند. مثال: تک دختر خانواده، یگانه پسر ارباب، تنها کوچه پاکیزه.

۲-۱-۴. شاخص

اسم یا صفتی است که برای محدود کردن اسم یا احترام قبل از آن می‌آید. شاخصها الفاظی از این دست‌اند: خانم، عمو، دایی، استاد، آقا، حاجی، امام، سلطان، خواجه، جناب، مهندس، دکتر، قاضی، شهید. اسامی درجات نظامی نیز جزء شاخصها هستند: سرکار، گروهبان، ستوان، سرگرد. برخی شاخصها به دلیل کثرت کاربرد به اسم پس از خود جوش خورده و اسم مرکب ساخته‌اند: شیرکوه، زرینه رود، سفیدرود. جزء اول در اضافه‌های مقلوب نیز شاخص هستند: جوجه کباب، پایین خیابان. شاخصها اسم را معرفی می‌کنند.

چنانکه ذکر شد هشت نوع وابسته پیشین وجود دارد. با احتساب ممیزها که وابسته اعداد اصلی هستند و به شمار آوردن اعداد ترتیبی که نوعی عدد هستند تعداد وابسته‌های پیشین به ده می‌رسد. اما در همنشین شدن این وابسته‌ها با یکدیگر محدودیت‌هایی هست:

برخی وابسته‌های پیشین اسم را محدود و مشخص می‌کنند. نظیر صفت‌های اشاره، صفت‌های عالی، اعداد ترتیبی. برخی دیگر به اسمی نامحدود اشاره و آن را نامشخص می‌کنند. مانند صفت‌های مبهم و یک نکره. به عبارتی بعضی از این وابسته‌ها اسم را معرفی و بعضی دیگر نکره می‌کنند. غیردستوری بودن ترکیباتی که اینک عرضه می‌شود به دلیل در کنار هم آمدن وابسته‌هایی است که مانعاً الجمع هستند:

* این بعضی بچه‌ها، * همان هر کتاب، * هر همین کتاب
همنشین نشدن وابسته‌های معرفه‌ساز و نکره‌ساز همیشه صادق نیست: برخی صفت‌های مبهم باعث می‌شوند که اسم بعد از آنها به صورت جمع بیاید. این صفت‌ها را می‌توان با بعضی وابسته‌های معرفه‌ساز در کنار هم آورد و به طبقه‌ای از اسامی اشاره کرد. به این علت است که ترکیب‌هایی نظیر بعضی از بزرگترین کتابها و هریک از تک پسرها متعارف و دستوری است.

بعضی از صفت‌های پرسشی نکره‌ساز را نیز می‌توان قبل از صفت‌های عالی و اعداد ترتیبی آورد و این هنگامی است که هسته گروه اسمی از نظر گوینده (پرسش‌کننده) متعدد باشد: کدامیک از تک پسرها؟ کدامیک از اولین ردیفها؟ کدام بزرگترین کتاب؟ کدام اولین دختر؟

بعضی صفت‌های اشاره (این، آن، همین، همان) را می‌توان قبل از صفت مبهم فلان آورد: این فلان پسر، همان فلان خیابان. از آنجایی که مصداق فلان از نظر گوینده مشخص است می‌توان آن را قبل از صفت‌های عالی و اعداد اصلی و ترتیبی آورد:

فلان تک پسر، فلان سه پسر، فلان دومین کتاب.

برخی دیگر از محدودیت‌های همنشینی وابسته‌های پیشین از این قرار است:

اعداد اصلی و ترتیبی در کنار هم قرار نمی‌گیرند:

* دو چهارمین خانه.

چندین در معنی چند و به همان صورت به کار می‌رود. چندین را هنگامی به کار می‌برند که بخواهند به تعداد فراوان از جنسی نامعلوم اشاره کنند و نتوانند آن را با لفظ چند بیان کنند:

چند کتاب خریدم (تعدادی نامعلوم) ← چندین کتاب خریدم (تعداد فراوان و نامعلوم)

دیگر و بسی و بسا که در سبک کهن‌گرا کاربرد دارد نیز صفت مبهم است. اسمی که بعد از آنها می‌آید مفرد یا با پسوند جمع همراه است: دیگر همسایه (همسایگان)، بسی کتاب (کتابها)، بسا رودخانه (ها).

۲-۱-۷. صفت تعجبی

این صفت‌ها که شامل عجب و چه و چقدر هستند مفهوم شدت و کثرت و تحسین و تعجب را به اسم بعد از خود اضافه می‌کنند. اسم بعد از عجب و چه، مفرد یا جمع است و با «ی» نکره همراه است: چه پسری! عجب آدمهایی!

اسمی که بعد از چقدر می‌آید همیشه مفرد است:

چقدر انا!

۲-۱-۸. یک نکره

این صفت اسمهای شمردنی پس از خود را نکره می‌کند: یک کتاب. تفاوت یک نکره با یک غیرنکره در این است که اولاً شدت تکیه یک غیرنکره بیشتر از یک نکره است. ثانیاً صفت اشاره قبل از یک نکره نمی‌آید: همین یک مسافر. در این حال تکیه روی یک قرار گرفته است. ثالثاً صفت مبهم هر قبل از یک نکره نمی‌آید: هر یک نفر. در این حالت نیز تکیه روی یک قرار گرفته است.

پس از اسم بعد از یک نکره می‌توان «ی» نکره نیز قرار داد. یعنی اسم یا اسم و صفت مربوط به آن در بافت «یک...ی» قرار می‌گیرند: یک کتابی، یک کتاب مفیدی.

۲-۲. شیوه همنشینی وابسته‌های پیشین

۲-۲-۱. محدودیت‌های همنشینی

عناصری که در گروه اسمی پس از هسته می‌آیند وابسته‌های پسین نام دارند. این وابسته‌ها عبارتند از: صفت بیانی، «ی» نکره، مضاف‌الیه، بدل، گروه حرف اضافه، جمله ربطی.

۲-۳-۱. صفت بیانی

صفت معمولاً با کسره اضافه پس از اسم می‌آید. کسره اضافه از این رو می‌تواند ملاک شناسایی هسته باشد. یعنی اولین اسم دارای کسره اضافه را می‌توان هسته دانست: کتاب سودمند، شهر بزرگ. اعداد ترتیبی نوع اول نیز در همین دسته جای می‌گیرند (۲-۱-۲): خانه چهارم، کتاب اول.

بعضی صفتها را برای تأکید بر آن قبل از موصوف می‌آورند و پسوند «ی» را به موصوف متصل می‌کنند: خوب پسری، بد تصادفی. در این ترکیبها، تکیه روی صفت قرار می‌گیرد.

گاهی کسره اضافه حذف می‌شود: آب گرم، جوجه محلی.^۵

آوردن پسوند جمع یا نشانه معرفه یعنی «ه» بعد از صفت یا هنگامی که صفت شغل یا لقب را برساند نیز از مواردی هستند که باعث حذف همزه می‌شوند: کتاب بزرگها، خیابان تنگه، علی باتری‌ساز، حسین صافکار.

۲-۳-۲. «ی» نکره

این پسوند را می‌توان هم پس از هسته آورد و هم پس از صفت مربوط به هسته: کتابی، خانه‌ای، کتاب سودمندی. هسته یا هسته و صفت مربوط به آن را دریافت «یک ... ی» نیز می‌توان قرار داد. یعنی یک نکره را قبل و «ی» را پس از اسم قرار داد.^۶

۲-۳-۳. مضاف‌الیه

مضاف‌الیه اسم یا ضمیری است که با کسره اضافه پس از هسته می‌آید: کلاس مدرسه، دفتر او. چنانچه پس از هسته صفت آمده باشد مضاف‌الیه بعد از صفت می‌آید: حیاط بزرگ خانه. کتاب مفید او. مضاف‌الیه می‌تواند وابسته‌هایی داشته باشد: خانه باغبان شهر ما،

صفت عالی نیز با اعداد اصلی و ترتیبی نمی‌آید: *بزرگترین سه خانه، *یکانه دومین خیابان.

هر یک از انواع وابسته‌های پیشین معمولاً فقط یکبار در هر گروه اسمی می‌آیند: *این آن کتاب، *کدام چگونه کتاب، *بعضی هر کتاب، *عجب چقدر کتاب، *بزرگترین تنها کتاب، *دو چهار کتاب، *اولین سومین کتاب.

در این مورد دو استثناء هست:

الف. برای رساندن مفهوم تقریب و تخمین می‌توان برخی اعداد اصلی را در کنار هم قرار داد. عدد کوچکتر در این حالت قبل از عدد بزرگتر می‌آید: دو سه کتاب، ده بیست تا کتاب، پنجاه شصت بار، پانصد ششصد تا جعبه، پنج شش هزار صدلی.

ب. بعضی شاخصها را نیز می‌توان در کنار یکدیگر قرار داد: شهید آیت‌الله دکتر بهشتی. این گروه بسط‌پذیر است و بیش از سه شاخص را نیز می‌توان قبل از هسته آن آورد.

۲-۲-۲. ترتیب همنشینی وابسته‌های پیشین

صفت اشاره و صفت مبهم و صفت پرسشی و صفت تعجبی و یک نکره همواره اولین عنصر در گروه اسمی هستند. این وابسته‌ها با هم ترکیب نمی‌شوند و وجود هر یک از آنها در گروه اسمی به معنی شرکت نداشتن دیگری در گروه مذکور است: این بزرگترین کتاب، هر دو آقا پسر، کدام پنجمین خیابان، یک خانه‌ای. دو استثناء در این مورد هست:

الف. چنانکه در بخش ۲-۲-۱ ذکر شد، صفت‌های اشاره این و آن و همین و همان قبل از صفت مبهم فلان می‌آیند.

ب. بعضی از صفت‌های مبهم (شامل برخی از، بعضی از، هر کدام از، هریک از) را می‌توان قبل از بعضی صفت‌های اشاره (شامل این و آن و همین و همان و چنین و چنان و یک چنین) آورد: بعضی از این بچه‌ها، برخی از همان کتابها، هر کدام از اینهمه قلم‌ها.

۲-۳. وابسته پسین

جمله ربطی را اغلب می‌توان به صفت یا بدل تبدیل کرد:
خانه که محل اقامت ما بود ← خانه، محل اقامت ما
کتاب که روی میز بود ← کتاب روی میز

۲-۴. ترکیب همنشینی وابسته‌های پسین

وابسته‌های پسین به خلاف وابسته‌های پیشین محدودیتهای همنشینی ندارند و می‌توان هر شش وابسته را همزمان پس از هسته قرار داد. اما در ترتیب همنشینی این وابسته‌ها محدودیتهایی هست. چنانچه اسمی هر شش وابسته را داشته باشد ترتیب همنشینی آنها چنین خواهد بود: الف. اولین وابسته پسین صفت است: فرش زیبا، خیابان پنجم.

ب. دومین وابسته پسین «ی» نکره است. این پسوند پس از صفت می‌آید: کتاب مناسبی، بچه خوبی. این وابسته را قبل از وابسته اول-قبل از صفت-نیز می‌توان آورد: کتابی مناسب، بچه‌ای خوب.

ج. سومین وابسته پسین مضاف الیه است: فرش زیبای مدرسه، خیابان پنجم شهر.

اگر مضاف الیه جنس مضاف را برساند یا توضیحی درباره مضاف بدهد می‌توان جای آن را با صفت عوض کرد:

کاسه بزرگ مس ← کاسه مس بزرگ.

پزشک زن حاذق ← پزشک حاذق زن.

د. چهارمین وابسته پسین گروه حرف اضافه است: کتاب سودمند کتابخانه درباره علوم. هنگامی که مضاف الیه در گروه اسمی باشد و تعلق را برساند می‌توان گروه حرف اضافه را به صورت صفت درآورد و قبل از مضاف الیه قرار داد:

کتاب سودمند علی درباره علوم ← کتاب سودمند درباره علوم علی

ه. پنجمین وابسته پسین بدل است: نمایند اول او در مدرسه، آقای رضایی.

کتابخانه مدرسه زیبای این خیابان. مضاف الیه در اصل یک گروه اسمی است که به دنبال اسمی دیگر می‌آید. گاهی که مضاف الیه جنس مضاف را می‌رساند می‌توان آن را به جای صفت به کار برد. مثلاً به جای ظرف نقره‌ای و کاسه مسی می‌توان ظرف نقره و کاسه مس نیز به کار برد. به نظر می‌رسد دلیل قرار دادن اسم به جای صفت در ترکیبهای مذکور این باشد که صفت در چنین بافتی به رنگ موصوف نیز اشاره می‌کند.

مثالهایی نیز هست که مضاف الیه جنسیت مضاف را نشان می‌دهد. در این حالت مضاف الیه در معنای صفت بیانی به کار می‌رود: پزشک زن، معلم مرد. زن و مرد در این مثالها گسترش پذیر نیستند. در ترکیبی نظیر پزشک زن شهر، لفظ شهر مضاف الیه پزشک است نه زن. همچنین در ظرف نقره علی و انگشتر طلای او لفظ علی و او به ترتیب مضاف الیه ظرف و انگشتر هستند نه نقره و طلا.

۲-۳-۴. بدل

بدل اسم یا ضمیر یا گاهی صفتی است که بعد از هسته یا بعد از هسته و وابسته‌های آن می‌آید. بدل بدون کسره اضافه به عناصر قبل از خود اضافه می‌شود:

باران، مایه امید مرد، زمین را سیراب کرد. ورزشکاران، همه، در مسابقه شرکت کردند. دخترک، بیچاره، کفش نداشت.

۲-۳-۵. گروه حرف اضافه

گروه حرف اضافه از یک حرف اضافه اسم یا گروه اسمی بعد از آن ساخته می‌شود: بحث درباره سلامت، پیامی از دوست علی، استاد در نقاشی.

۲-۳-۶. جمله ربطی

این وابسته با «که» آغاز می‌شود و پس از اسم می‌آید و توضیحی را به اسم اضافه می‌کند. گاهی قبل از «که» پسوند «ی» می‌آید: این کتاب که روی میز بود، کتابی که خوانده بودند.

و. ششمین وابسته پسین جمله ربطی است: کرد.
نماینده اول او در مدرسه، آقای رضایی، که دیروز سخنرانی

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- عدد یک و سه به این صورت ترتیبی می‌شود: /ول، سوم.
تلفظ عدد ترتیبی دو که دوم نوشته می‌شود نیز چنین است:
/dovvom/
- ۲- علامت ستاره در سمت راست و بالای ترکیبهای
غیردستوری می‌آید.
- ۳- به جز هزار هزار که در سبک کهن‌گرا به کار می‌رود.
- ۴- همه در این حالت بدون کسره اضافه است و ثانیاً اسمی که
با آن می‌آید مفرد است. اگر همه با کسره اضافه قبل از اسم
بباید محدودیتی از لحاظ مفرد یا جمع بودن اسم وجود ندارد.
- ۵- بدیهی است که در این صورت دیگر نمی‌توان کسره اضافه را
ملاک شناسایی هسته دانست.
- ۶- به مبحث یک نکره مراجعه شود (۲-۱-۸)

مراجع

- سمائی، سیدمهدی، (۱۳۷۷). *واژگان در دستورسنج*، رساله دکتری زبانشناسی، دانشگاه تهران.
- صادقی، علی‌اشرف، (۱۳۵۶). *دستور زبان فارسی (سال دوم فرهنگ و ادب)*، انتشارات آموزش و پرورش.
- غلامعلی‌زاده، خسرو، (۱۳۸۰). *ساخت زبان فارسی*، انتشارات احیاء کتاب.
- ماهوتیان، شهرزاد، (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی (از دیدگاه رده‌شناسی)*، ترجمه سیدمهدی سمائی، نشر مرکز.
- مشکوه‌الدینی، مهدی، (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی (بر پایه نظریه گشتاری)*، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- میلانیان، هرمز، (۱۳۵۱). *دستگاه عدد در زبان فارسی*، سومین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۱، ص ۶۳۱-۶۴۹.
- Mahmoudi, S.M. (1994), *Contribution au traitement automatique de la langue persane*, these de doctorat, universite de Lyon II.
- Ramsay, A.M. (1991), *Artificial intelligence*, in Malmkjaer, K. (ed), the linguistics encyclopedia, Routledge, pp. 28-38.